

## شما کجا دیدید که از شخصی مقصر تعریف کنند؟!



در یکی از شب های اعیای ماه رمضان ۱۳۱۸ ش که مرحوم آیت ا... بروجردی در بروجرد منبر رفته بودند، مداح پیش از سخنرانی ایشان اشعاری در مدح علم و علما خواند. وقتی مداح به اشعاری در مدح خود آیت ا... بروجردی رسید، ایشان مثل کسی که در حال شنیدن مصیبت باشند، دستشان را روی صورت گرفتند و بعد از تمام شدن مداحی بدون مقدمه فرمودند: «مگر من با آقایان چه کرده ام که به من توهین می کنند؟!» [همه ای در بین حضار به وجود آمد و همه از این که کسی به ایشان توهین کرده متعجب شدند. آیا در بین راه کسی ایشان را اذیت کرده است؟!] آقا با اشاره دست، مردم را ساکت کردند و فرمودند: «این آقا (مداح) مطالبی را به من نسبت دادند که یا من واجدم یا فاقد. اگر فاقد باشم اتمصاف شخصی به وصفی که فاقد است، عین اهانت است و اگر احياناً واجد باشم، بنده هرکس که باشد، به جز ذوات ائمه معصومین علیهم السلام در پیشگاه خداوند مقصر است. شما کجا دیدید که از شخص مقصر تعریف کنند؟! بعد از این شاهد چنین مطالبی نباشم.

[ الگوی زعامت ص ۳۳ / هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۱۵۰ ]

### مالک دنیا باشید نه مملوک آن!

فردا به امروز خیلی نزدیک است و امروز به فردا خیلی دور. هرچه رفتنی دور است؛ اما آمدنی نزدیک است. دنیا را مثل روزی که گذشت، رفته حساب کن و قیامت و آخرت را فردا حساب کن. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: ما أقرب العُدِّ من یوم؛ فردا به امروز چه نزدیک است. مالک دنیا باشید نه مملوک آن. مالک صاحب اختیار است و اختیار خودش و ملکش دست خودش است و با ملکش هر کار که بخواهد، می کند. اما مملوک اختیارش دست مالک است. مالک دنیا با مملوک دنیا خیلی فرق دارد.

[ مهدی طیب، مصباح الهدی (سخنان عارفانه حاج محمد اسماعیل دولابی)، ص ۱۴۴ ]

### با امام حسین (ع) که رفیق بشه آدم درستی می شه!

بارها می دیدم که با بچه هایی که نه ظاهر مذهبی داشتند و نه به دنبال مسائل دینی بودند رفیق می شد و آنها را جذب ورزش می کرد. یکی از آن بچه ها که با ابراهیم رفیق شده بود خیلی از بقیه بدتر بود. حتی خیلی راحت حرف از کارهای خلاف می زد و اصلاً چیزی از دین نمی دانست. نه نماز و نه روزه، به هیچ چیز هم اهمیت نمی داد. یک بار به ابراهیم گفت: "آقا ابرام اینها کین که دنبال خودت راه می اندازی؟" با تعجب پرسید: "چطور، چی شده؟" گفتم: "دیشب این پسر رو با خودت آورده بودی هیئت، اون هم اومد کنار من نشست. وقتی که حاج آقا داشت صحبت می کرد و از مظلومیت امام حسین (ع) و از کارهای یزید می گفت این پسر، خیره خیره و با عصبانیت گوش می کرد. وقتی هم چراغها خاموش شد به جای این که گریه بکنه، مرتب فحش های ناجور به یزید می داد!!" ابراهیم که با تعجب داشت به حرف هام گوش می کرد، زد زیر خنده و گفت: "عیبی نداره، این پسر تا حالا هیئت نرفته و گریه نکرده، مطمئن باش با امام حسین (ع) که رفیق بشه آدم درستی می شه، ما هم اگر بتونیم این بچه ها رو مذهبی کنیم هنر کردیم." دوستی ابراهیم با این پسر به آنجایی رسید که همه چیز را کنار گذاشت و یکی از بچه های خوب ورزشکار شد. چند ماه بعد و در یکی از روزهای عید، همان پسر یک جعبه شیرینی خرید و بعد از ورزش پخش کرد و گفت: "رفقا من مدیون همه شما هستم، من مدیون آقا ابرام هستم. اگه خدا منو با شما آشنا نکرده بود معلوم نبود الان کجا بودم و... من و بچه های دیگه هم با تعجب نگاهش می کردیم. وقتی داشتیم از در بیرون می رفتیم اون پسر رو صدا زدیم و گفتم: "از من راضی باش یکبار پشت سرت حرف زدم" بعد هم سریع آمدم بیرون توی راه به کارهای ابراهیم دقت می کردم. چقدر زیبا یکی یکی بچه ها رو جذب ورزش می کرد و بعد هم اونا رو به مسجد و هیئت می کشوند و به قول خودش می انداخت تو دامن امام حسین (علیه السلام)



[ سلام بر ابراهیم ، گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی ، نشر شهید ابراهیم هادی ، چاپ هفتاد و ششم ، ۱۳۹۴ ص ۱۸ و ۱۹ ]

شخصی فوت نموده و هنگام حیات، خمسی را که بر ذمه اش بوده در دفتر خود یادداشت کرده و تصمیم به پرداخت آن داشته است. در حال حاضر بعد از فوت وی همهی افراد خانواده ی او به استثنای یکی از دخترانش از پرداخت خمس خودداری کرده و در ترکیه ی متوفی برای مخارج خود و میت و غیر آن، تصرف می کنند، خواهشمندیم نظر خود را بیان فرمایید.

سوال

اگر میت وصیت کند که مقداری از دارایی او به عنوان خمس پرداخت شود یا ورثه یقین پیدا کنند که وی مقداری خمس بدهکار است تا وصیت میت و یا خمسی را که بر عهده دارد از ماترک (اموالی که بر جای گذاشته است) او ادا نکنند، نمی توانند در ترکیه ی او تصرف نمایند و تصرفات آنان قبل از عمل به وصیت وی یا پرداخت دین او، نسبت به مقدار وصیت یا دین در حکم غصب است و نسبت به تصرفات قبلی نیز ضامن هستند.

جواب

[ برگرفته از استفتائات امام خامنه ای در، پایگاه Khamenei.ir ]